



کشف انبار سلاح جنگی در تهران

تحقیقات از ضروری که در اردیبهل با اسلحه قدرت نمایی می کرد به کشف یک انبار سلاح در تهران منجر شد. به گفته جلال آفاقی، دادستان اردیبهل با دریافت گزارش درباره تهیه غیرمجاز سلاح توسط یکی از اهالی اردیبهل، وی بازداشت شد و تحقیقات به کشف مقدار قابل توجهی سلاح جنگی و مهمات متعلق به او در تهران منجر شد.



انفجار مرگبار کپسول گاز هلیومی

انفجار کپسول گاز هلیومی در شرق تهران جان کارگری را گرفت. این حادثه صبح روز پنجشنبه به مرکز اورژانس تهران گزارش شد و به دنبال آن با لگد امداد راهی محل حادثه شد. حادثه دیدگان ۲ نفر بودند که یکی از آنها بر اثر شدت انفجار کپسول گاز هلیومی جان باخته و دیگری مصدوم شده بود که به بیمارستان منتقل شد.

قاتلی که دستگاه دروغ سنج

را فریب داد



راز قاتل آمریکایی که ۴۵ سال پیش توانسته بود دستگاه دروغ سنج را فریب دهد، بعد از مرگش فاش شد. به گزارش همشهری به نقل از ایندپیندنت، ۴۵ سال پیش، پلیس

کالیفرنیا در جریان ناپدید شدن دختری ۱۷ ساله به نام استر گونزالس قرار گرفت. خانواده این دختر می گفت که او برای رفتن به خانه خواهرش در شهر باینینگ از خانه خارج شده و پس از آن ناپدید شده است. فراد این روز فرد ناشناسی با پلیس تماس گرفت و آنها را در جریان پیدا شدن یک جسد در کیسه ای پر از برف در محوطه ای جنگلی در خارج از شهر قرار داد. در بررسی ها مشخص شد که مقتول همان دختر گمشده است که ابتدا هدف تجاوز قرار گرفته و سپس به ضرب گلوله به قتل رسیده.

تحقیقات پلیس از همان زمان برای پیدا کردن قاتل آغاز شد. بررسی ها ادامه داشت تا اینکه هر روز بعد مردی به نام رندی که شاهدان وی را به همراه مقتول دیده بودند، دستگیر شد. او جنایت را انکار کرد و کار آگاهان تصمیم گرفتند با استفاده از دستگاه دروغ سنج وی را امتحان کنند. اما دستگاه نشان داد که رندی در ارتکاب این قتل نقشی نداشته است. به این ترتیب، مظنون جنایت آزاد شد و تا ۴۵ سال بعد، هیچ ردی از قاتل به دست نیامد تا اینکه مدتی قبل کار آگاهان تصمیم بود، با استفاده از فناوری های جدید بررسی کنند. در این بررسی ها مشخص شد که دی آن ای متعلق به رندی، یعنی همان مظنونی است که ۴۵ سال پیش توانسته بود دستگاه دروغ سنج را فریب دهد و بی گناه شناخته شود. اما ادامه تحقیقات نشان داد که این مرد در سال ۲۰۱۴ از دنیا رفته و دی آن ای او ذخیره شده است. با مشخص شدن این حقیقت اسرار جنایت ۴۵ ساله فاش و این پرونده منخومه شد.

جنایی

شمارش معکوس برای مجازات ۳ برادر



حکم قصاص ۳ برادر که به خاطر اختلافات طایفه ای، دست به جنایت زده بودند، تأیید و شمارش معکوس برای مجازات آنها آغاز شده است.

به گزارش همشهری، بیست و یکم اسفند سال ۹۸، گزارش یک درگیری خونین در یکی از محله های پایتخت به پلیس اعلام شد. بررسی ها حکایت از این داشت که سر نشینان خودروی تیبیا که ۲ پسر جوان بودند، با ضربات قمه و چاقو زخمی شده اند. تحقیق از شاهدان نشان می داد که ۳ نفر در حالی که سواری بر خودروی پژو ۲۰۶ بودند، راه را بر خودروی تیبیا سد کرده و با اقدامی هولناک به سمت ۳ سر نشین آن هجوم برده و با ضربات قمه و چاقو، هر دو را زخمی کرده بودند. ۲ جوان زخمی به بیمارستان انتقال یافتند اما یکی از آنها به دلیل شدت جراحات جان باخت و دیگری جان سالم به در برد و از خطر مرگ نجات یافت.

جوانی که نجات یافته بود، در تحقیقات گفت: من و احسان (مقتول) با یکدیگر دوست بودیم و روز حادثه با هم به قهوه خانه رفته بودیم. سپس از خروج از قهوه خانه، متوجه شدیم سر نشینان خودروی پژوی در تعقیب ما هستند. راننده آن آنگاه جلوی ماشین احسان پیچید. سر نشینان پژو، قمه و چاقو داشتند که به سمت ما حمله کردند و با قمه و چاقو به جانمان افتادند.

دستگیری

با انجام تحقیقات میدانی و بررسی شماره پلاک خودروی پژو ۲۰۶ مهاجمان جنایتکار، هویت آنها که ۳ برادر بودند به دست آمد. آنها ۲ ماه پس از جنایت یعنی در اردیبهشت سال ۹۹ در یکی از شهرهای مرکزی کشور بازداشت شدند و به حمله مرگبار خود اعتراف کردند. یکی از برادران گفت: احسان از بستگان دور ما بود که چند وقتی می شد دچار اختلافات طایفه ای شده بودیم. برای انتقام، نقشه کشیدیم تا احسان را اگوشمالی بدهیم اما نقشه ما به قتل او ختم شد.

ایستگاه پایانی

این ۳ برادر پس از بازسازی صحنه قتل روانه زندان شدند و مدتی بعد در شعبه هشتم دادگاه کیفری پای میز محاکمه رفتند. هر ۳ به اتهام مشارکت در قتل به قصاص و به جرم زخمی کردن دوست مقتول به حبس و پرداخت دیه محکوم شدند. اگر چه آنها به حکم اعتراض کردند و پرونده روی میز قضات دیوان عالی کشور قرار گرفت اما اعتراضشان رد شد و قضات عالی تبه مهر تأیید بر حکم قصاص هر ۳ برادر زدند. به این ترتیب با قطعی شدن رای، پرونده به شعبه اول اجرای احکام دادسرای جنایت تهران فرستاده شد تا مقدمات اجرای حکم این ۳ برادر جنایتکار فراهم شود.

گزارش جواد عزیزی روزنامه نگار

۲ مرد و یک زن اعضای بانندی بودند که با شناسایی زنان تنها و سالخورده در خراسان شمالی دست به سرقت اموال آنها می زدند. اعضای این باند در جریان سرقت هایشان باعث قتل ۳ زن سالخورده شده اند که تحقیقات از آنها ادامه دارد.

به گزارش همشهری، تحقیقات برای دستگیری اعضای این باند از این ماه سال گذشته آغاز شد. در آن زمان مأموران پلیس شهرستان فاروج در خراسان شمالی در جریان قتل زنی ۸۳ ساله در خانه اش قرار گرفتند و راهی آنجا شدند. مقتول در این خانه به تنهایی زندگی می کرد و جسد وی در حالی پیدا شد که دست ها و پاهایش با طناب بسته شده بود. همچنین بررسی داخل خانه از این حکایت داشت که در آن به قصد سرقت طلاهای بیزرن وارد خانه او شده و به تصور خودشان همه طلاهای او را به سرقت برده بودند؛ حال آنکه بیشتر طلاهای سرقتی بدل بودند و مقتول فقط یک جفت گوشواره و یک انگشتر ملا داشت.

بازجویی از ۸۰ نفر

از آنجا که احتمال می رفت فردی آشنا پشت پرده این سرقت باشد، کار آگاهان به تحقیق از تمامی افرادی پرداختند که از اقوام و آشنایان مقتول بودند و به خانه او رفت و آمد داشتند. تیم تحقیق از ۸۰ نفر بازجویی کرد اما هیچ کدام از این افراد در جنایت نقش نداشتند. در ادامه، بررسی های کار آگاهان روی مردان سابقه دار متمرکز شد و تحقیقات ادامه یافت تا اینکه ماهه پس از جنایت، نخستین سرخ ها به دست آمد. کار آگاهان متوجه شدند که سارق سابقه دار در این سرقت مرگبار نقش

با دستگیری زنی که با سارقان همدمت بود، اسرار قتل ۳ زن سالخورده که از سوی این باند قربانی شده بودند فاش شد

داشته و به این ترتیب دستور بازداشت او صادر شد.

خبرآنقلابی

شهر یور امسال بود که با شناسایی یکی از دزدان، وی از سوسی پلیس دستگیر شد و اعتراف کرد که سرقت مرگبار را با همدستی یکی از دوستانش مرتکب شده است. به این ترتیب دومین متهم نیز دستگیر شد و آنها اعتراف کردند که پس از شناسایی زن تنها، به تصور اینکه وی طلاهای زیادی دارد او را



زیر نظر گرفته و در فرصتی مناسب به مقابل خانه اش رفته و خود را خیر جا زده اند. آنها با این ادعا که قصد کمک رسانی به افراد بی بضاعت و سالخورده را دارند، مقتول را فریب داده و وارد خانه اش شده بودند و پس از بستن دست و پا و دهان او، همه طلاهایش را در زبدیه بودند. سپس وی را در همان حال رها کرده و متواری شده بودند که با توجه به گذشت زمان و عدم نجات زن سالخورده، وی جانش را از دست داده بود. دزدان همچنین اعتراف کردند که پس از سرقت طلاها، قصد فروش آنها را داشتند که متوجه شدند به جز یک انگشتر و یک جفت گوشواره، بقیه طلاهایی که دزدیده بودند، بدل بوده است.

قتل های جدید

در حالی که بررسی ها نشان می داد سارقان دستگیر شده از افراد زیادی با این شگرد سرقت کرده اند، تحقیقات پلیس برای شناسایی تمامی سرقت های آنها ادامه یافت و در ادامه اسرار تازه ای از این پرونده فاش شد. کار آگاهان متوجه شدند که یک زن جوان نیز

# قتل در پرونده دزدان اموال مادر بزرگ ها

در جریان سرقت های متهمان با آنها همدست بوده و آنها تاکنون باعث قتل ۳ زن سالخورده شده اند.

سرسنگ مقصود رستگار، رئیس پلیس آگاهی خراسان شمالی گفت: در تحقیقات انجام شده از متهمان معلوم شد که زن جوانی عضو این باند است که وظیفه شناسایی طعمه ها را بر عهده دارد. این زن با حضور در پارک ها و اماکن عمومی، زنان سالخورده و تنها را که طلای زیادی همراه خود داشتند، شناسایی می کرد. سپس به بهانه کمک به آنها، با این افراد طرح دوستی می ریخت تا بتواند به خانه هایشان راه پیدا کند. او با شناسایی خانه طعمه هایش، وارد آنجا می شد و از اموال او ضاع داخل خانه مخفیانه عکس می گرفت. سپس عکس ها را برای ۲ سارق اصلی می فرستاد و ۲ سارق اصلی می کردند. متهمان در فرصتی مناسب راهی خانه طعمه ها می شدند و خودشان را خیر یا مأمور آب و گاز معرفی می کردند و از طعمه شان می خواستند در را باز کند. آنها به محض باز شدن در وارد خانه می شدند و عدم نجات زن سالخورده، وی جانش را از دست داده بود. دزدان همچنین اعتراف کردند که پس از سرقت طلاها، قصد فروش آنها را داشتند که متوجه شدند به جز یک انگشتر و یک جفت گوشواره، بقیه طلاهایی که دزدیده بودند، بدل بوده است.

داخلی

قاتل خاموش ۳ قربانی گرفت



کاهش دما و استفاده شهروندان از وسایل گرمایشی در روزهای اخیر موجب افزایش حوادث گاز گرفتگی شد و در تازه ترین حوادث در سراب و ارومیه ۳ نفر به دلیل استشاق گاز مونوکسید کربن جان خود را از دست دادند.

به گزارش همشهری، نخستین حادثه روز پنجشنبه در روستای ابرغان سراب اتفاق افتاد و در جریان آن پدری همراه با پسر نوجوانش جان خود را از دست دادند. آن روز نزدیکان این دو نفر بعد از ورود به خانه با پیکرهای بی جان آنها که روی زمین افتاده بود مواجه شدند و از اورژانس کمک خواستند. هنوز به درستی معلوم نبود که چه اتفاقی افتاده است اما وقتی امدادگران اورژانس به محل حادثه رسیدند با توجه به علامت ۴ قربانی اعلام کردند که هر دو نفر بر اثر مسمومیت با گاز مونوکسید کربن جان خود را از دست داده اند. آنها مردی ۴۸ ساله و پسر ۱۳ ساله اش بودند و زمان وقوع حادثه فقط آنها نشت گاز از وسیله ای که از آن برای گرم کردن خانه استفاده شده بود دلیل وقوع این حادثه است.

دومین حادثه صبح دیروز (جمعه) در یکی از روستاهای ارومیه اتفاق افتاد و یک قربانی گرفت. ماجرا از این قرار بود که به اورژانس ارومیه خبر رسید که زن و مردی در یکی از روستاها دچار گاز گرفتگی شده اند. مدت کوتاهی از این خبر گذشته بود که امدادگران خود را به محل حادثه رساندند. آنها در آنجا با زن و مردی مواجه شدند که دچار کاهش سطح هوشیاری شده بودند. در این شرایط اقدامات درمانی برای مونوکسید کربن جانش را از دست داد و زن ۳۵ ساله دچار اختلال تنفسی بود که در مرکز درمانی منتقل شد. فرزین رضازاده، رئیس اورژانس آذربایجان غربی در این باره گفت: زن جوان با وضعیت کاهش سطح هوشیاری و اختلالات شدید تنفسی با حمایت های پیشرفته تنفسی به مرکز درمانی منتقل شد و تحت مداوا قرار گرفت.

بر اساس این گزارش بررسی های کارشناسی برای روشن شدن علت اصلی این دو حادثه آغاز شده است.

فرونشست پارکینگ ۲ خودرو را بلعید



فرونشست کف پارکینگ ساختمانی مسکونی حادثه عجیبی را رقم زد و ۲ خودرویی را که در آنجا پارک بود داخل گودال کشید.

به گزارش همشهری، ساعت ۸:۴۶ صبح دیروز (جمعه) یک مورد حادثه فروکش کردن کف پارکینگ ساختمانی مسکونی به آتش نشانی گزارش شد و آتش نشانان در کمتر از ۵ دقیقه خود را به محل حادثه واقع در بلوار قیصریه رساندند. آنها با گودالی بزرگ که ۲ خودرو داخل آن سقوط کرده بود، مواجه شدند و عملیات خود را آغاز کردند.

سیدجلال ملکی، سخنگوی آتش نشانی تهران در این باره گفت: در طبقه منفی یک این ساختمان ۵ طبقه به وسعت حدود ۸ متر و به عمق تقریبی ۲.۵ متر فروکش کرده و تخریب شده بود. یک دستگاه از ۳۱۵ به طور کامل داخل گودال سقوط کرده و یک دستگاه ال ۹۰ هم در حالت معلق و در آستانه سقوط کامل قرار داشت که آتش نشانان با استفاده از تجهیزات موجود و نصب کارگاه روی قسمت پارکینگ بالایی و استفاده از جرثقیل دستی و سایر تجهیزات هر دو خودرو را مهار و با احتیاط کامل خارج کردند.

او ادامه داد: خوشبختانه در این حادثه به کسی آسیبی نرسید و دقایقی بعد محل حادثه و خودروها به مالکان و عوامل شهرداری تحویل داده شد. وی درباره علت وقوع این حادثه گفت: در نزدیکی محل ریزش یک چاه بود و احتمال نشست از داخل چاه و شسته شدن خاک ها وجود دارد. با وجود این، علت حادثه بعد از بررسی های دقیق تر مشخص خواهد شد.

# اشتباه بزرگ گروه گانگبران بی رحم

گفت و گو

بعد از دستگیری متوجه اشتباهمان شدیم

نظیر، سردسته باند گروه گانگبران است. او چندماه قبل به همراه هفت نفر هموطنانش سناریوی آدمربایی را اجرا کردند، با این تصور که گروه گان شان یک تاجر ثروتمند است اما او یک کارگر ساده بود. گفت و گو با نظیر را می خوانید.

انگیزه های از این گروه گانگبری بی رحمانه

چه بود؟ رسیدن به پول اما به کاهدان زدیم.

چرا؟ چون فکر می کردیم سوزمان یک تاجر ثروتمند است اما اینطور نبود. در واقع او یک کارگر ساده بود که هشتت گروی نهش بود.

چطور فکر کردید که او تاجر است؟ چندماه قبل او را سواری بر یک خودروی بنز دیدیم. حالا با خودش بود یا یک نفر دیگر شبیه به حافظ. بعد فکر کردیم او تاجر است و ثروتمند. حتی رقمش سریع از دوستان نزدیک او دوستش هم تأیید کرد که آن کسی که ما دیده ایم، اسمش حافظ و یک تاجر پولدار است. نمی دانم چرا، حالا یا قصد داشت با ما شوخی کند یا فریبمان داد یا او هم مثل ما اشتباه کرده بود.

چه زمانی فهمیدید که به سه کاهدان

زده اید؟ بعد از دستگیری متوجه شدیم که او تاجر نیست. البته جوان گروه گان و خانواده اش در این مدت می گفتند که کارگر ساده است و ما اشتباه کرده ایم، اما فکر کردیم دروغ می گویند و قصد فریب ما را دارند.

چند روز این گروه گانگبری طول کشید؟

۸ روز حافظ گروه گان ما بود.

چرا او را با بی رحمی شکنجه دادید و در وضعیت ناپسامانی نگاه داشتید؟

می خواستیم خانواده اش را بترسانیم تا به ۵ هزار دلار برسیم. فکر کردیم خانواده اش از ترس جان پسرشان، فوراً ۵ هزار دلار را تهیه می کنند و این پول برای آنها چیزی نیست. از سوی دیگر فکر نمی کردیم پای پلیس به ماجرا باز شود.



اعضای یک باند مخوف گروه گانگبری به تصور اینکه گروه گان شان تاجری ثروتمند است بایی رحمی او را شکنجه دادند تا دست به اخذ ۵۰ هزار دلاری از خانواده اش بزنند، غافل از اینکه

دادسرا

گروه گان یک کارگر ساده است. به گزارش همشهری، هفته گذشته پلیس ایران از طریق اینترنتی افغانستان در جریان گروه گانگبری جوانی افغان در تهران قرار گرفتند. والدین این جوان به پلیس افغانستان گفته بودند که پسرشان به نام حافظ که ۲۶ ساله قبل به صورت قانونی برای کار راهی تهران شده بود، حالا توسط افرادی ربه شده و آدمربایان در تماس با خانواده جوان افغان برای آزادی اش درخواست ۵۰ هزار دلار کرده بودند. خانواده گروه گان می گفتند که آدمربایان قیلمهایی برایشان ارسال کرده اند که در آن حافظ با دست و پاهای بسته، در حالی که صورتش با چسب و پلاستیک بسته شده گوشه ای افتاده و گروه گانگبران شکنجه اش می کنند. یکی از قیلمهایی که آدمربایان برای خانواده حافظ فرستاده بودند، نشان می داد که آنها انگشت گروه گانگبری شان را قطع کرده و بدنش را می سوزانند.

راهی گروه گان

با زال این پرونده از طریق اینترنتی به پلیس اطلاعات پایتخت، مأموران در نخستین گام راهی محل کار حافظ در غرب تهران شدند. تحقیقات نشان می داد که او آخرین بار پس از خروج از محل کارش ناپدید شده بود. بررسی دوربین های مدار بسته از این حکایت داشت که روز حادثه ۲ مرد موتور سواری جوان افغان را سد کرده و با تهدید او را ربه بودند. با این سرخ، بررسی ها ادامه یافت تا اینکه مخفیگاه گروه گانگبران که خانه ای قدیمی در خیابان شوش بود، شناسایی شد. محل نگهداری گروه گان، یک اتاقک در پشت بام بود و او در این محل به بدترین وضعیت ممکن نگهداری می شد. مأموران سازمان اطلاعات پلیس پایتخت با هماهنگی نوبو، محل مورد نظر را محاصره کردند و در عملیاتی دقیق، ۶ نفر از ۴ مرد افغان را در این مخفیگاه دستگیر کردند. ۲ نفر دیگر با دیدن مأموران، اقدام به فرار کردند اما فرار آنها هم زیاد طول نکشید و هر دو به دام افتادند. همچنین گروه گان ۲۳ ساله که دست و پا و صورتش با پلاستیک و چسب بسته شده و به شدت مجروح شده بود، آزاد شد. سرهنگ سعید راستی، رئیس مرکز عملیات سازمان اطلاعات پلیس پایتخت در این باره به همشهری گفت: متهمان به دستور باز پرس پرونده، در اختیار مأموران اطلاعات تهران قرار گرفتند و تحقیقات از آنها ادامه دارد.

# اپراتور پلیس ۱۱۰ آدمربایان را به دام انداخت

قرار دارد و می خواهد با این جمله به شکل رمزی پیامی به پلیس منتقل کند. اما چه اتفاقی برای او افتاده بود؟ پسر جوان این جمله را گفت و تلفن را قطع کرد تا اپراتور ۱۱۰ که به این تماس مشکوک شده بود، ماجرا را پیگیری کند. لحن پسر جوان در این تماس کوتاه و جملاتی که گفت این احتمال را مطرح کرد که ممکن است او از سوی فرد یا افرادی ربه شده و جانش در خطر باشد. در این شرایط ابتدا محلی که این تماس از آنجا گرفته شده بود ردیابی شد. در ادامه یک واحد گشت پلیس برای بررسی ماجرا به آن اطراف فرستاده شد. مأموران هنگام گشت زنی در آنجا با یک دستگاه خودرو مسند با پلاک مخدوش مواجه شدند که ۲ نفر قصد داشتند شخصی را

«سلام مادر، به بابایکو منزل رفیقم هستم.» جوانی که با پلیس ۱۱۰ تماس گرفته بود همین یک جمله را گفت و تلفن را قطع کرد و اپراتوری که این سوی خط بود از یک آدمربایی مخوف اطلاع پیدا کرد و جوانی که به گروه گان گرفته شده بود در عملیاتی ضربتی آزاد شد. به گزارش همشهری، روز پنجشنبه اول آذر، فرد ناشناسی با مرکز فوریت های پلیسی کرمانشاه تماس گرفت و پیگیری این تماس به راز گشایی از یک آدمربایی منجر شد. وقتی اپراتور پلیس ۱۱۰ تماس تلفنی را جواب داد، او گفت: «سلام مادر، به بابایکو منزل رفیقم هستم.» این جمله بی ربط به نظر می رسید، اما اپراتور باهوش ۱۱۰ وی برد که تماس گیرنده در شرایط خاصی